نور ملكوت قرآن    ج‏4    183     نقشه‏هاى شوم دشمنان قرآن با رسيدن وعده‏هاى إلهى بر باد مى‏رود ..... ص : 183

[نقشه‏هاى شوم دشمنان قرآن با رسيدن وعده‏هاى إلهى بر باد مى‏رود]

و باز در اين انقلاب عظيم و يكپارچه ملّت مسلمان ايران، تمام آن كاسه‏ها و كوزه‏ها شكست؛ و آن سبو بشكست و آن پيمانه ريخت. محمّد رضا هم فرارى شد؛ و گوينده دروازه تمدّن بزرگ در سوراخ آن گير كرده، از جائى بجائى چمدان بدست، تا پس از مدّت كوتاهى در مصر جان داد. و كوههاى حسرت و آرزو، و نيابت كورش و سلطنت دو هزار و پانصد ساله او بر دلش بماند. و آيات معجزات خداوندى يك به يك در برابر چشمان اين ملّت ستمديده مظلوم و نجيب ظاهر و هويدا گشت.

وَ لا يَزالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِما صَنَعُوا قارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيباً مِنْ دارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لا يُخْلِفُ الْمِيعادَ.[[1]](#footnote-1)

«و پيوسته و هميشه به آن كسانيكه كفر ورزيده‏اند، در اثر كردارشان كوبنده آسمانى اصابت نموده ايشان را ميكوبد، يا آن كوبنده در نزديكى خانه ايشان فرود آمده جا ميگيرد؛ تا وعده خدائى در رسد. و تحقيقا خداوند خلف وعده نمى‏نمايد.»[[2]](#footnote-2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
- و گرنه فردا خواهيد ديد كه عمامه‏ها را بر سر علم‏ها ميكنيم و اين سيّد پيشاپيش و تمام مردم مسلمان به دنبال او جهاد ميكنيم تا خونها ريخته شود؛ اين سيّد غير از جهاد و شهادت آرزوئى ندارد. داستان مفصّل است كوتاه ميكنيم. شاه مجبور شد پنج مادّه را امضا كرد.

(1)- آيه 9، از سوره 15: الحجر

(2) ذيل آيه 31، از سوره 13: الرّعد

(3)- در ايران چندين بار ميخواستند خطّ را هم بردارند و تبديل به خطّ لاتينى كنند. و سعيد نفيسى كه از يهودى زادگان و اساتيد دانشگاه بود در اين امر اصرار بسيارى داشت، ولى مباحثات بعضى از مطّلعين منصف بالأخصّ سيّد محمّد محيط طباطبائى وى را محكوم‏

نور ملكوت قرآن، ج‏4، ص: 184

اينك بر عهده اساتيد و معلّمان متعهّد مدارس است كه در تعليم قرآن و ادبيّات عرب بسيار بكوشند، و لغات فارسى زند و أوستا را از كتابها بردارند و همان لغات فصيح و شيرين عربى را بكار برند. و أحيانا اگر در رديف بالا يكى از افرادى را مانند سنگ به سينه زنان ادب زرتشتى ملاحظه نمودند فورا بر كنار دارند، كه اين امر از امور مهمّه و اصيله انقلاب اسلامى است. و گرنه بصورت انقلاب محلّى با اسلام و عربى فاصله ميگيرد. عرب دنبال ملّيّت خود ميرود و زوزه العروبة سر ميدهد؛ و ايرانى هم دنبال كيش و آئين نياكان ميرود و إحياء سنّت ملّى ميكند. و اين آرزو و هدف استعمار است.

ما ابدا علاقه‏اى به عرب از جهت عروبت نداريم؛ اينها همه براى اسلام است، براى قرآن است.

اين همه آوازه‏ها از شه بود\* گرچه از حلقوم عبد الله بود قرآن است كه معجزه است. احدى همتايش را نياورده است و نميتواند بياورد. قرآن است كه توحيدش، معارفش، اخلاقش، احكامش زنده و معجزه است. فصاحت و بلاغتش بجاى خود محفوظ.

1. ( 2) ذيل آيه 31، از سوره 13: الرّعد [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 3)- در ايران چندين بار ميخواستند خطّ را هم بردارند و تبديل به خطّ لاتينى كنند. و سعيد نفيسى كه از يهودى زادگان و اساتيد دانشگاه بود در اين امر اصرار بسيارى داشت، ولى مباحثات بعضى از مطّلعين منصف بالأخصّ سيّد محمّد محيط طباطبائى وى را محكوم- و نقشه‏اش بر آب رفت. و نيز در صدد بودند تعطيل جمعه را به يكشنبه مبدّل سازند كه آنرا هم- با بسيارى از مقاصد ديگرشان- طوفان شديد انقلاب اسلامى بر باد فنا داد. [↑](#footnote-ref-2)